

پیشنهاد

عصر نور سیده‌ها

صادق سِرمَدی

■ هر یک از فصل‌های «غلامان خاصه» بر فرضیه‌ای استوار هستند که طرح آن در حکم نقد دیدگاه برخی محققان غربی درباره اسلام است، زیرا یکی از نقدهای شرق‌شناسانه به اسلام، مساله برده‌داری و به فرض آنها تایید برده‌داری در دین اسلام است. نویسندگان این مقالات با توجه به این فرضیه، تلاش کرده‌اند تا این مساله را برای خواننده غربی روشن کنند که موضوع برده‌داری در غرب، با آنچه غربی‌ها برده‌داری در اسلام می‌دانند، متفاوت است. نویسندگان مقالات، فرضیه مغلوط پیشین را رها کرده و سعی دارند تا این موضوع را برای خواننده به بحث بگذارند که چگونه برده در غرب امکان فراتررفتن از خاستگاه خود را ندارد، ولی غلامان خاصه در اسلام نه تنها در عصر صفوی از خاستگاه اجتماعی خود فراتر می‌روند، بلکه زفت‌رفته قدرت را هم در دست می‌گیرند. در این فرضیه مساله برده‌داری در غرب مساله‌ای نژادی است و در اسلام همین موضوع با دین پیوند می‌خورد. به این اعتبار، غلامان و کنیزان با گرویدن به دین اسلام، جزئی از جامعه مسلمان عصر صفوی شده و مراتب رسیدن به قدرت را پله‌پله طی می‌کنند. اما امکان برای برده، به مفهومی که غربی‌ها می‌شناسند، هرگز فراهم نیست. نویسندگان نشان می‌دهند که چگونه غلامان خاصه نقش مهمی در اقتصاد، هنر،هادر دین و سیاست عصر صفوی ایفا می‌کنند.

اکنون اگر بخواهیم جدا از این کتاب با منبع دیگری آشنا شویم که بحث برده‌داری در غرب و برده‌داری در اسلام را قیاس کرده باشد، جستار محسن کدیور با عنوان «مساله برده‌داری در اسلام معاصر» در این زمینه راهگشا خواهد بود. کدیور در این مقاله موضوع را از منظر فقهی و نیز از منظر حقوق بشر شرح داده است.

دومین مقاله کتاب حاضر نشان می‌دهد که تبار دومان‌ها چگونه شکل گرفته‌در این مقاله زنان صیغه‌ای، غلامان جنگی و خواجهرسرایان سه عنصر سازنده خاندان صفوی هستند که رحل اقامت در اصفهان افکندند و بخشی از این تبار را شکل می‌دهند. مقاله سوم به اقتصاد می‌پردازد و تجارت غلامان ازجمله عصر صفوی و ارمنه در این مقاله می‌بینیم. چنان‌که دولت صفوی چگونه از این تجارت رونق می‌گیرد. چهارمین مقاله کتاب بناشدن شاهنشاهی به یاری غلامان خاصه است. هر یک از مقالات این کتاب، تحقیقی جامع و مفصل



بر اساس منابع دست اول، از آثار هنری و معمارى تا منابع تاريخى و ادبى، نقشه‌ها، ديوارنگارها، نقش ظروف و... است. نويسندگان به خوبي سير برآمدن عصر صفوى را بررسى کرده و نشان مى‌دهند که چگونه غلامان يا به مفهومی عام، برده‌ها رفته‌رفته يکى از بزرگ‌ترين خاندان‌هاى حکومت‌گر تاريخ ايران را مى‌سازند. در واقع درباره تاريخ فرهنگى و سياسى ايران و اسلامى، فرهنگى و سياسى، فلسفه و غيره وجود دارد. حاوى واژه‌هاى مورد تاکيد در هر متن دربرگيرنده اصطلاحات و واژگان مربوط به علوم ارتباطات بوده و حاوى واژه‌ها و مفاهيمى است که در علوم مرتبط به ارتباطات اجتماعى همچون جامعه‌شناسى، روانشناسى، روابط بين‌المللى، علوم سياسى، فلسفه و غيره وجود دارد که مطالعه دقيق و عميق آن براى درک بهتر مفاهيم ارتباطى، ضرورى است.

اما آنچه اين کتاب را خواندنى مى‌کند، پرداختن به موضوعاتى است که پيش از اين به آن توجه چندانى نشده. به عنوان نمونه مى‌توان به چهارمين مقاله کتاب، با عنوان «غلامان جنگى در ولايات: گسرداوری و شکل‌دهى هنرها» اشاره کرد. اين مقاله که همان فرضيه پيش گفته را در خود دارد، در واقع به بردگان هنرى اشاره مى‌کند. مى‌دانيم که عصر صفوى عصر رونق معمارى، کتاب‌آرآيى، خوشنويسى و... است.

در واقع نويسنده اين مقاله بحثى را در تاريخ هنر ايران باز مى‌کند که اغلب درباره آن سکوت مى‌شود. در واقع حاميان هنر در تاريخ ايران اغلب در سايه مى‌مانند. مقام قدسى هنرمند که در برهه‌اى از تاريخ به مفهوم «هنرمند» در ايران تحميل شده، بنا را بر اين مى‌گذارد که هنرمند، انسلى وارسته از قدرت، ثروت و گاه حتى به نجوى اعراف آميز گسته از شهرت است.

اين تصوير سنتى از هنرمند، موجب شده تا نقش حاميان هنر در شکل‌گيرى فرهنگ و تاريخ هنر ايران ناشناخته بماند. در حالى که در تاريخ هنر غرب، حاميان آثار (patron) به اندازه هنرمندان مورد بحث و بررسى هستند. اما در سنت تاريخ‌نگارى هنر ايران، به دليل اصرار مورخان براى رهايندن هنرمند از کانون قدرت و سياست و عطايى مقامى مافوق بشرى به او، هميشه نقش و تاثير حاميان را با بهانه‌هاى مختلف به تعويق مى‌اندازند. از اين‌رو مقاله پنجم اين کتاب را بايد بحثى تازه در تاريخ‌نگارى هنر ايران دانست. از سوى ديگر مجموع مقالات اين کتاب نشان مى‌دهند که چگونه بخشى از فرهنگ و هويت ايران در اين عصر شکل مى‌گيرد. در واقع اين کتاب را بايد مطالعه‌اى در مهم‌ترين بخش از هويت ايران دانست. هويتى که ریشه‌هاى سياسى، اقتصادى، دينى و هنرى آن در هرک از فصول اين کتاب بررسى شده است.

■ **آقاى عرب به عنوان يک پژوهشگر فلسفه اسلامى به نظر شما آيا فلسفه قيدپذير است؟ اساسا مى‌توان براى فلسفه، قيد اسلامى و غربى قايل شد؟**

فلسفه مطلق نيست. اما مطلق را نمى‌توان بدون قيد درک کرد. اگر فلسفه را بدون قيد در نظر بگيريم، بايد تصور مطلقى از آن داشته باشيم و اين امر شايد سخت و منتع باشد. همه امور حتى فلسفه، قيد دارد. اساسا نوع فهم بشر اين است که هيچ چيز را بدون قيد نمى‌فهمد. براى انسان تا مطلق به مفيد تبديل نشود، نمى‌تواند آن را پشناسد. فلسفه اسلامى نه به معناى اثبات عقايد و باورهاي دينى است و نه به معناى اسلامى کردن فلسفه. ترکيب «فلسفه اسلامى»، به معناى اسلامى کردن فلسفه يا فلسفى کردن اسلام نيست. آنچه که امروزه به عنوان فلسفه اسلامى مى‌شناسيم، اندیشه‌هاى فلسفى شخصيت‌هاى چون فارابى، ابن‌سينا، خواجه‌نصيرالدين طوسى، غزالى، سهروردى و ملاصدراست.

■ **با توجه به صحبت‌هاى شما چه تعريفى مى‌توان از فلسفه اسلامى داشت؟**
فلسفه اسلامى صورت ادراک عقلانى انسان مسلمان از هستى است. مثلا کتاب اسفار، صورت ادراک ملاصدرا از هستى است.

■ **يعنى فلسفه اسلامى در واقع نشأت گرفته از فيلسوفان مسلمان است نه از دين اسلام؟**
نمى‌توان منکر ترغيب نصوص دينى در رشد فکر فلسفه‌اى شد. در قرآن کريم آياتى وجود دارد که بر دلالت‌هاى فلسفى تاکيد مى‌کند و اين نشانگر آن است که فلسفه در عالم اسلام ريشه‌اى جدا از دين نداشته است. فلسفه در اسلام، عين دين نيست، دين هم عين فلسفه نيست، اما فلسفه توانسته به رشد باورهاي دينى کمک کند. دين و فلسفه در جهان اسلام دارى وحدت هستند نه اتصال. دو سخن عمده در تاريخ فلسفه اسلامى از فارابى و ابن‌رشد وجود دارد. فارابى بر وحدت دين و فلسفه و ابن‌رشد براتصال دين و فلسفه تاکيد مى‌کنند. بين اين دو سخن تفاوت زيادى وجود دارد. وقتى سخن از وحدت بين وحى و فلسفه و وحدت دين و فلسفه مى‌شود، بايد غايت مشترک دين و فلسفه را در نظر گرفت. اما هنگامى که صحبت از اتصال است دو شى مى‌توانند متصل باشند و در عين اتصال، هويت خود را حفظ کنند. اما در وحدت، دو شى، تبديل به يک شى مى‌شوند و تمايزى ميان آنها وجود ندارد. فلسفه اسلامى خصوصاً فلسفه دوران ملاصدرا ضرورتاً فلسفه‌اى است که در آن به طور آشکار دين و فلسفه و وحى و فلسفه وحدت دارند.

■ **دکتر کريم مجتهدى معتقد است تاريخ‌نگارى در سنت فلسفى ما وجود ندارد. با نظر ايشان موافقيه؟**
بله، ما از فقدان تاريخ‌نگارى رنج مى‌بريم. آنچه اکنون در منابع تاريخى مشاهده مى‌شود، گزارش تاريخى از زندگى و آثار فلاسفه است. تاريخ فلسفه‌اى که مبتنى بر گزارشى از تحول افکار فيلسوفان مسلمان باشد، در دست نيست. شايد بشود نمونه‌هاى همچون محبوب‌القلوب قطب‌الدين اشکورى را به عنوان تاريخ فلسفه‌اى که به تشریح تاريخ افکار فلسفى پرداخته در نظر گرفت. بايد به اين مساله خوش‌بين بود چون ايرانى‌ها شروع به نوشتن تاريخ فلسفه کرده‌اند. روش تاريخ فلسفه‌هاى که اکنون به دست ايرانيان در حال نوشتن است اگرچه شبیه تاريخ‌نگارى فلسفه در غرب است، اما نگاهش به سهروردى و ابن‌سينا و ديگر فيلسوفان، ايرانى و اسلامى است. دوره تدوين تاريخ فلسفه اسلامى توسط غربيان به پايان رسيده است. جاي اميد است فلسفه اسلامى در اقليمى که اين اقليم بومى است نوشته مى‌شود.

■ **ضعف تاريخ‌نگارى فلسفه اسلامى را در چه چيزهاى مى‌دانيد؟**
تاريخ‌نويسى فلسفه به شکل امروزين، متعلق به دوره جديد است. تصور قدمای ما از تاريخ و زمان با دوره جديد، متفاوت بوده است. تاريخ فلسفه اسلامى در دوره جديد، توسط غربيان نوشته شده و آن را به غربت غربى خود برده و گفته‌اند يا اين‌رشد فلسفه اسلامى پايان يافته است. اساساً مستشرقان به ماهيتى به نام فلسفه اسلامى اعتقاد داشتند و با اين باور شروع به نگارش تاريخ فلسفه اسلامى کردند. به گمان آنها «فلسفه اسلامى چيزى بيش از آنچه در يونان گفته شده نيست و يک حوزه معرفتى به نام تاريخ فلسفه اسلامى نداريم». آنان معتقدند «فارابى، ابن‌سينا، غزالى، سهروردى و ابن‌رشد از جمله فيلسوفانى بودند که با تکرار سخنان فيلسوفان يونانى به نشر فلسفه کمک کردند تا به تفکر آن» البته تاريخ‌نويسان فلسفه اسلامى در غرب همه به اين باور نيستند. شايد بشود گفت کارنامه محس

سر پرسى سايکس (۱۹۴۵ – ۱۸۶۷) نظامى، ديپلمات و ايران‌شناس انگليسى در آموزشگاه راگبى و دانشکده افسرى ساند هرست درس خواند. در سال ۱۸۸۸ به ارتش پيوست، به هند رفت و در آنجا زبان فارسى آموخت. در سال ۱۸۹۳ براى انجام ماموريت‌هاى سياسى و نظامى به ايران سفر کرد. وى باني کنسولگرى‌هاى انگليس در کرمان و سيستان و مشاور و دستيار نماينده دولت بريتانيا در مشهد و ترکستان چين شد و به درجه ژنرالى ارتقا يافت. بين سال‌هاى ۱۹۱۸ – ۱۹۱۶ پليس جنوب ايران را پايه‌ريزى کرد و در آن زمان نقشى پيچيده در امور داخلى ايران ايفا کرد. در سال ۱۹۲۰ در کارهاى دولت کناره گرفت و به انگليس بازگشت. کتاب‌هاى «۱۰ هزار مايل در ايران»، «تاريخ ايران»، «تاريخ کرمان»، «کشفات جغرافيايى» و «تاريخ افغانستان» از جمله آثار اوست.

کتاب اندیشه

گفت‌وگو با حسن سيدعرب درباره فلسفه اسلامى

از فقدان تاريخ‌نگارى رنج مى‌بريم

تانبا تجلی



عکس: آئين زهرا شريف

اگر چه بر خى فيلسوفان غرب و حتى فيلسوفان داخل کشور فلسفه اسلامى را همان فلسفه يونان مى‌دانند اما به باور حسن سيدعرب فلسفه اسلامى منقطع از فلسفه يونان نيست اما ب آن هم عينيّت ندارد. حسن سيدعرب مولف و پژوهشگر بنياد دايره‌المعارف است. وى تاليفاتى از جمله تعريفات جرجاني، مجموعه‌مقالات سهروردى در دو جلد، شرح مثنوى، جشن‌نامه استادان فلسفه در سه جلد و تعدادى مقالات به رشته تحرير بر در آورده است. وى معتقد است فلسفه اسلامى اگر چه منقطع از فلسفه يونان نيست، اما با آن فلسفه هم عينيّت ندارد. آنچه در بى‌مى آيد گفت‌وگو با وى در خصوص فلسفه اسلامى است.

هورتن و هازرى کرين از همه آنها جدابست. مثلا از بين مورخان غربى ارنست رنان بر اين باور است فلسفه اسلامى امتداد و عين فلسفه يونان است و خاتم فلسفه اسلامى را ابن‌رشد مى‌داند.

■ **تفاوت ديده‌گاه هازرى کرين با ديگر شرق‌شناسان در چيست؟**
فلسفه اسلام و ديگران اين دو با ديگران در تصور از تاريخ است. اگر تصور کنيم که تاريخ عبارت است از توالتى حوادث گوناگون به اين نتيجه مى‌رسيم که تفکر و معرفت فلسفى مربوط به عهد يونان است و ديگر فيلسوفان مبسر و تکرار کننده سخنان آنها بوهاند. ارنست رنان اين گونه مى‌انديشيد. اما کرين به تجسد حوادث تاريخى يکى بعد از ديگرى قايل نيست. وى معتقد است تاريخ معرفت و تفکر، ريشه در نوعى کيهان‌شناسى فکرى معنوى و تقدير الهى دارد. در وراى حوادث تاريخى، اراده‌اى کيهانى هست که تحقق اندیشه‌هاى فلسفى را براى انسان ميسر مى‌کند. وى بر اين باور است که فلسفه تاريخ، زمان را محبوس در کميت مى‌کند. تاريخ تفکر در فلسفه، مسبوق به نوعى اراده الهى و کيهانى در جهان است که در هر دوره از ادوار بشر به عنوان حقيقت خود را بر انسان نمايان کرده است.

■ **آيا تاريخ فلسفه اسلامى با شرق‌شناسى نسيتى دارد؟**
بله، تاريخ فلسفه اسلامى در غرب، پژوهش‌هاى تاريخ فلسفه را دربر نمى‌گيرد، بلکه تاريخ فلسفه در غرب مشمول شرق شناسى مى‌شود که حاصل اين مطالعات به انگيزه مطالعات تاريخى و تمدنى برمى‌گردد.

■ **آيا تاريخ‌نگارى فلسفه اسلامى روش خاصى مى‌خواهد؟**

منظور از روش، متدولوژى است. متدولوژى در همه علوم نظرى و عملى شايع شده است. هر علمى براى خود دارى روش است. روش تحقيق در فلسفه امروز هم همچون علوم ديگر بر گرفته از غرب است. کسانى که از ايران تاريخ فلسفه مى‌نويسند تقريبا به آن روش التزام خواهند داشت. به کار گيرى آن روش به منزله معتقد



ايران «سر پرسى سايکس»

انتشارات نگاه به‌تازگى کتاب «تاريخ ايران» او را با ترجمه محمدتقى فخرداغى گيلانى پس از چندين سال منتشر و در دو جلد وارد بازار کتاب کرده است. اين کتاب جزو آثار کلاسيک درباره تاريخ ايران است که با روش تاريخ‌نگارى تحليلى و وقايع‌نگارانه به نگارش درآمده و گفته مى‌شود جامع‌تر از اين اثر، درباره تاريخ ايران نوشته نشده است.

سايکس در گردآوردن مواد و جمع‌آورى مدارک و اسناد اين کتاب، سال‌ها کوشيده است. او تقريبا همه منابع قديم و جديد زمان خود را از رومى، سرباني،

تاريخ ايران

سر پرسى سايکس ترجمه: محمدتقى فخرى‌اعينى انتشارات: نگاه نوبت‌چاپ: اول

او در فصل‌هاى به تحليل امور

ويترين

تاريخ مطبوعات ايران



■ کتاب «تاريخ مطبوعات ايران» نوشته سيدفريد قاسمى با پيشينه تاريخ مطبوعات جهان به قلم پونس شرک‌خواه وارد بازار شد. «تاريخ مطبوعات ايران» به شرح فراز و فرودهاى تاريخ مطبوعات ايران از آغاز پيدايش مطبوعات در کشورمان و روند آن تا پس از انقلاب اسلامى ايران مى‌پردازد. اين نوشتار که در بخش پايانى، مطلب «پيشينه مطبوعات جهان» به قلم دکتر پونس شرک‌خواه را به عنوان پيوست به همراه دارد، در ۱۰ بخش مختلف با قلمى روان، تاريخ روزنامه‌نگارى ايران و بيان وقايع مرتبط با روند توسعه مطبوعات در ايران را توضيح مى‌دهد. «روزگار ناصرى»، «عهد مظفرى» «پام پهلوى اول» و «دوره انقلاب» از جمله بخش‌هاى اين نوشتارند. نويسنده در بخش «روزگار ناصرى» مى‌نويسد: «خبرهاى دارالخلافه مطهران را نيز از روزنامه محلات استخراج مى‌کردند. اين روزنامه‌ها يکى از منابع آگاهى از وقايع اتفاقيه ولايات، شهرها و محله‌هاى درج برى در مطبوعات چاپى بودند. چون مرکز نشينان بى‌برند به امر حکام ولايات بسيارى از رويدادها را روزنامه‌نويسان مى‌نويسند، متصديان تلگرافخانه و يستخانه را نيز به اين کار گماردند. اما پس از چندی تلگرافچيان و يستچيان هم با حکام همراه شدند.» سيدفريد قاسمى پژوهشگر و نويسنده پرتلاش و پرکار تاريخ مطبوعات ايران در بخش «طالع بيشتر» اين نوشتار، با ارايه ۶۷ منبع مرتبط، مخاطب را در يافتن اطلاعات بيشتر در اين زمينه يارى مى‌کند. چلپ نخست «تاريخ مطبوعات ايران» را انتشارات تانبا به شمارگان ۱۱۰۰ نسخه ۱۹۰ صفحه و به بهاي ۵۵۵هزارريال امروز وارد بازار نشر خواهد کرد.

زبان تخصصى ارتباطات



■ اين کتاب دارى ۴۰ متن برگزيده در شش فصل و لغتنامه تخصصى علوم ارتباطات و ارتباطات اجتماعى است. اين متون از جديدترين و معتبرترين کتاب‌هاى رشته ارتباطات و علوم وابسته انتخاب شده و در گزينش نهايى آنها سعى شده است طيف نسبتا جامعى از حوزه‌هاى گوناگون رشته علوم ارتباطات منظر قرار گيرد. واژه‌هاى مورد تاکيد در هر متن دربرگيرنده اصطلاحات و واژگان مربوط به علوم ارتباطات بوده و حاوى واژه‌ها و مفاهيمى است که در علوم مرتبط به ارتباطات اجتماعى همچون جامعه‌شناسى، روانشناسى، روابط بين‌المللى، علوم سياسى، فلسفه و غيره وجود دارد که مطالعه دقيق و عميق آن براى درک بهتر مفاهيم ارتباطى، ضرورى است.

شاه عباس فلسفى



■ جامع‌ترين و خواندنى‌ترين کتاب را درباره زندگى و زمانه شاه‌عباس اول، نصرالله فلسفى نوشته است. فلسفى پژوهشگر تاريخ، مترجم و شاعر در آورماه ۱۳۸۰ شمسى زاده شد. تحصيلات خود را در مدرسه‌هاى آلبانس و دارالفنون پى گرفت و در سال ۱۳۹۹ وارد کارهاى دولتى شد. در سال ۱۳۰۲ مجله ايران وابسته به کلوب بين‌المللى ايران را منتشر کرد و بعدها مديريت نشرىاتى چون مهر و روزنامه اميد را عهده‌دار شد. انتشار فصلنامه ايرانيکا به زبان‌هاى فرانسه و ايتاليايى در اروپا نيز به همت او همراه با گرفت از آثار او مى‌توان به اين کتاب‌ها اشاره کرد: زندگاني شاه‌عباس اول، ترجمه سرگذشت ورت، تاريخ انقلاب کبير روسيه، تاريخ سلطنت قياد و مزدک، جنگ چالدران و مجموعه‌اى از سروده‌ها.

کتاب «زندگاني شاه‌عباس اول» که سال‌ها پيش توسط ناشران ديگر منتشر شده بود، اين بار در انتشارات نگاه در دو جلد به چاپ رسيده است. نصرالله فلسفى در اين کتاب نگاهى همه‌جانبه به زندگى شاه‌عباس اول داشته و يکى از کامل‌ترين و مهم‌ترين آثار را درباره دوره صفويه و مناسبات داخلى و خارجى ايران در اين عصر ارايه داده است. اين کتاب حاوى نکات و جزئياتى است که پيش از اين توسط مورخان و ايران‌شناسان درباره عصر صفوى مطرح شده بود و نياز به بازيايى و بازنقاشى داشت. اهميت اين کتاب بيش از هر چيز از آنجائى مى‌شود که شاه‌عباس اول را مهم‌ترين و مقتدرترين پادشاه صفوى مى‌دانند و اطلاع از عملکردها و تمايلات او مى‌تواند راهگشايى شناخت اعصار پس از وى باشد. او در ۱۴ سالگى تاجگذارى کرد و ۴۲ سال بر مسند پادشاهى بود و در اين مدت روابط خارجى ايران را توسعه داد و جزاير و بنادر ايراني خليج‌فارس را نيز از برتغالى‌ها پس گرفت.